نگاه

لاله‌زار علی حاتمی

سیداحمد محیططباطبایی

سینما بیش از یکصد سال است که وارد ایران شده است. امروزه ما دارای یکی از قدیمی‌ترین میراث‌های سینمایی در جهان هستیم که می‌توانیم بخشی از آن را در موزه سینما و در یادگارهای به جا مانده در صنعت سینما دنبال کنیم. علی حاتمی شهرک سینمایی ایران (غزالی) را برای ساخت فیلم هزاردستان ساخت، این شهرک یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین این نمونه‌ها در ایران است. این شهرک سینمایی بر اساس معماری خیابان لاله‌زار، میادین و فضاهای اطراف آن شکل گرفته است. اما به صراحت باید بگوییم که این شهرک یک فضاسازی از نگاه و منظر علی حاتمی است، به عبارتی می‌توان گفت لاله‌زارِ علی حاتمی است. این شهرک از منظر میراثِ فرهنگی و ثبت بخش‌هایی از خاطرات جمعی مردم ارزشمند است. زیرا در واقع این فضاها بیننده را به یاد یک فیلم یا سریالی که یک نسل از آن خاطره دارند می‌اندازد. اگر چه بعضی از فضاهای ساخته شده، روایتگر گذشته خیابان لاله‌زار هم است.

در اینجا باید اشاره کنیم که یکی از تغییر و تحولاتی که تهران شاهد آن است، در زمان ناصرالدین‌شاه و با توسعه شهری آغاز می‌شود و این توسعه با کلنگ‌زنی ناصرالدین در مقابل دروازه باغ لاله‌زار، آغاز می‌شود. این کلنگ هم‌اکنون در موزه کاخ گلستان نگهداری می‌شود. این توسعه با تقسیم باغ لاله زار به فضاهای کوچک‌تر مسکونی و تجاری شکل جدیدی از تهران را ایجاد می‌کند. خیابان فردوسی امروز یا سفرا و علاءالدوله قدیم، در سمت غربی و خیابان سعدی یا لختی قدیم در سمت شرقی و خود خیابان لاله‌زار در میانه این منطقه از خیابان‌های مهمی هستند که حاصل این تقسیم و توسعه شهری هستند. به عبارتی در دوره ناصری شاهد تغییر و تحولات مهم تهران در فضای به جا مانده از این خیابان‌ها هستیم. بعد از انقلاب مشروطیت بر اثر تغییر و تحولات اجتماعی ایران، شاهد ایجاد فضاهای جدید شهری هستیم. یک سری از این فضاها برمی‌گردد به بعضی از پدیده‌های فرهنگی و هنری که سال‌ها در اختیار دربار و طبقات ویژه بود مثل سینما و عکاسی، در داخل شهر سالن‌های نمایشی و عکاسخانه فضای مخصوص به خود را به وجود می‌آورند. به عبارت دیگر شهر منعکس کننده تغییر و تحولات اجتماعی پس از انقلاب مشروطیت در ایران است. این تغییرات را در فضای خیابان لاله‌زار و میدان فردوسی می‌توان ملاحظه کرد. بالطبع این تغییر و تحولات را در فضای سریال‌ها و فیلم‌های علی حاتمی هم که به تاریخ رویدادهای سیاسی و فرهنگی اشاره دارد به خوبی می‌توان در بازسازی لاله‌زار و توپخانه آن روزگار مشاهده کرد. از انقلاب مشروطیت تا وقایع کودتای ۲۸ مرداد، خیابان لاله‌زار و فضای اطراف آن به مهم‌ترین بخش فرهنگی و قسمتی از تهران که رجال مملکت در آن اوقات فراغت فرهنگی خود را طی می‌کردند، تبدیل می‌شود. بخشی که نبض فعالیت فرهنگی تهران در آن می‌زند. گرچه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ما شاهد یکسری جابه‌جایی و تغییرات در فضای شهری تهران و انتقال بسیاری از فضاها به خیابان ولیعصر (پهلوی آن روزگار) هستیم، اما لاله‌زار بین انقلاب مشروطیت و روزگار کودتا لاله‌زار مهمی است. همچنین فضای بین خیابان سعدی تا خیابان فردوسی و میدان توپخانه تا خیابان جمهوری و ما این فضاسازی را در نگاه علی حاتمی و در بازسازی شهرک سینمایی می‌بینیم. اهمیت شهرک سینمایی ایران (غزالی) در ابتدا به خود علی حاتمی و سریال و فیلم او بازمی‌گردد و مثل هر شهرک سینمایی دیگر بیانگر خاطرات فیلم‌های سینمایی یک فرهنگ و مردمانی است که در این فرهنگ زندگی می‌کردند. اگرچه این فضاها برگرفته از تغییر و تحولات فیزیکی و کاربردی خیابان‌های اصلی شهر تهران است که به نوعی برای ما خاطرات آن را زنده می‌کند. اما اصل موضوع را شامل نمی‌شود. **رییس ایکوم ایران**

گزارش «اعتماد» از شهرک سینمایی – تلویزیونی ایران (غزالی)

تجربه گردشگری فیلم در میراث علی حاتمی

مهری جمشیدی /اعتماد

فرزانه قبادی

علی حاتمی عاشق تهران بود، آنقدر که در نزدیک تهرانی که مدام در حال تغییر بود، تهرانی ماندگار و ایده‌آل ساخت. لاله‌زاری ساخت که هنوز هم حال آدم‌ها را خوب می‌کند. با اینکه همه می‌دانند پشت ویترین‌های چوبی مزون مادام و خیاطی آلبرت هیچ کس نونوار نمی‌شود و در کافه نادری خبری از قهوه‌های ارمنی نیست. گراند هتل پشت سایه‌بان‌های رنگی‌اش، جاه و جبروتی ندارد و سینمای نبش خیابان فقط خواب آرتیست‌های فرنگی را می‌بیند، اما همین جداره‌ها که رد تاریخ لای شیارهای‌شان هنوز پیداست و بخشی از هویت تهران را به نمایش گذاشته‌اند هنوز بلدند آدم‌ها را ببرند به سفر زمان، به ۷۰ سال پیش، به روزهایی که تهران رخت مدرنیته به تن می‌کرد و لاله زار شده بود نماد این رخت نو. امروز که اثری از گراند هتل و سینما تابان در تهران دودگرفته نیست، می‌شود در سکوت لاله‌زار پرماجرای حاتمی قدم زد و از مقابل کافه نادری رد شد و با خیال تهران همراه شد. تهرانی را تصور کرد که دادزن سینماهایش مردم را به دیدن دختر لر دعوت می‌کنند و کافه نادری‌اش ردپای آرام هدایت و نیما و سیمین را به سرعت‌زدگی باریستاهایش نباخته، تهرانی که هنوز واگن اسبی سبز رنگش مردم را از توپخانه تا کوچه رفاهی می‌برد تا دنیای مدرن را مرور کنند، در این تهران از تئاتر نصر و تماشاخانه گیتی تا سینما کریستال و کافه پارس، همه‌چیز بوی مدرنیته می‌دهد؛ مدرنیته‌ای که نبضش در لاله‌زار می‌زند. امروز اما نور تند چراغ‌های لاله‌زار فروغ ته‌مانده‌های بناهای تاریخی و سینماهای تعطیل شده‌اش را کم کرده، لاله‌زاری که تنها صدای حاکم در آن صدای موتوسیکلت‌هایی است که قُرقش کرده‌اند. لاله‌زاری که سینماهای پر رونقش سال‌هاست آبمیوه‌فروشی و انبار کالا شده‌اند و میدان را به پردیس‌های غول پیکر واگذار کرده‌اند. سینماها و سالن‌های تئاتر و کوچه ملی و خیاط خانه‌های پرخاطره این خیابان حالا شده‌اند مرکز فروش لامپ‌های ادیسون ولوسترهای چینی.

مدیران شهری تهران با نماد مدرنیته این شهر نامهربان بودند و هستند. آنها شیوه خود را برای پوشاندن رخت مدرنیته به ساختمان‌ها و خیابان‌های شهر دارند. هرچند که شهردار سابق تهران در خانه تاریخی اتحادیه ردی از خود به جا گذاشت و آخرین ساعات کاری‌اش را در خانه دایی جان ناپلئون (اتحادیه) گذراند و در غروبی شهریوری پروژه‌ای نیمه‌کاره (موزه مشاهیر در خانه اتحادیه) را افتتاح کرد. اما اثری که سوء‌مدیریت شهری بر خیابان‌های تاریخی تهران که بار هویتی این شهر را به دوش می‌کشند، باقی گذاشته با خریدن خانه اتحادیه و تبدیلش به موزه مشاهیر رنگ نمی‌بازد.

نام لاله‌زار با نام علی حاتمی گره خورده. البته در شهرک سینمایی که میراث ماندگار اوست، اورشلیم، میدان ژاله، کوفه و مدینه را هم ساختند، اما هنوز این نام‌ها در اذهان عمومی همنشین یکدیگرند. شاید بتوان گفت شهرک سینمایی میراثی تاریخی است که سعدی سینمای ایران برای سینماگران و علاقه‌مندان به تاریخ و تهران ساخته است که هر کدام از ظن خود یار آن شوند. همه می‌دانند که حاتمی شهرک سینمایی را به بهانه تولید «هزاردستان» ساخت. هزاردستانی که از لاله‌زار شروع می‌شود و در لاله‌زار هم تمام می‌شود. از پس کوچه‌های تهران، از نام‌هایی آشنا که گوینده رادیو اعلام می‌کند و با بیان هر کدام بخشی از تهران زنده می‌شود، از بوذرجمهری و میدان شاهپور و سید ملک خاتون تا قصر فیروزه و عشرت‌آباد و وصفنارد، صدای گوینده رادیو در تهران پیچیده، لاله‌زار خلوت است و تهران تعطیل، به جز ماموران اداره احصاییه هیچ کس در خیابان نیست، پس به خوبی می‌شود شهرکی را که به گفته علی حاتمی: «وقتی واردش شد جوان بود و وقتی از آن بیرون آمد دیگر پیر شده بود» از نظر گذراند. حاتمی در دقایق نخست هزار دستان، تهران را خوب نشان بیننده می‌دهد. وقتی که بیننده خوب لاله‌زار و خیابان‌های تهران را دید و با معماری آن آشنا شد و به بازار و کاروانسرای میان آن سرک کشید و با شکل سقاخانه آشنا شد و با کاشی‌های کوچکی که نام کوچه‌ها و گذرها بر آن نقش بسته نام‌هایی آشنا را مرور کرد، راوی دستش را می‌گیرد و می‌برد تا اتاق‌های مدرن و لوکس گراندهتل را نشانش دهد.

قصه شهرک سینمایی را همواره اهل سینما روایت کرده‌اند، کسانی که خود را وارثان این میراث گران‌سنگ می‌دانند. اما امروز از دل سالیان چنته این فضای چند ده هکتاری حسابی پر شده. شهرک سینمایی که زمانی با نام «غزالی» (مالک اولیه زمین آن) شناخته می‌شد، امروز نام «ایران» و یاد بنیانگذارش «علی حاتمی» را بر پیشانی دارد. حالا اگر وارد خیابان ۵۵ جاده مخصوص کرج شوید، همه راه این شهرک را بلدند. اینجا مقصد گروه‌های فیلمسازی بسیاری بوده، اما این روزها کنجکاوی مخاطبان سریال‌ها و فیلم‌های سینمایی، ترافیکی از بازدیدکنندگان در آن ایجاد کرده است؛ بازدیدکنندگانی که با خیالی آسوده در خیابان‌های خلوت اطراف منیریه و بهارستان و توپخانه‌اش عکس یادگاری می‌گیرند و سراغ هر کدام‌شان که می‌روی می‌گویند: «تهران قدیم حال و هواش خوبه» تهران قدیمی که حتی حیات در آن جریان ندارد و در بعضی بخش‌ها در حال تخریب است، اما با تمام اینها هویتی را به نمایش می‌گذارد که آدم‌ها را می‌برد به اصل‌شان، تا جایی که زمان از دست‌شان می‌رود و زیر آسمان خدابه پستوهای بازارچه و مغازه‌های آن سرک می‌کشند و تهران قدیم را زیر پا می‌گذارند و سریال‌ها و فیلم‌هایی را که در لوکیشن‌های مختلف تهیه شده مرور می‌کنند.

لاله‌زاری که بود؛ لاله‌زاری که نیست

علاوه بر خیابان‌ها و جداره‌هایی که در میدان ژاله و منیریه و بهارستان قرار دارند، چند خانه هم در جریان پروژه «معمای شاه» در شهرک سینمایی ساخته شده است. خانه دکتر وزیری در نزدیکی میدان منیریه یکی از این خانه‌هاست؛ خانه‌ای که بر اساس پلان موجود از خانه دکتر وزیری ساخته شده است و می‌توان گفت یکی از اتفاقات مثبتی است که در این شهرک افتاده است. در یکی از این خانه‌های قدیمی، دو دختر ۹-۸ ساله همراه خانواده‌شان می‌گویند: «اومدیم لوکیشن شهرزاد رو ببینیم» دخترهای کوچک خانواده از طرفداران پروپاقرص سریالند و می‌گویند: «لاله‌زار خیلی شبیه چیزی که تو شهرزاد نشون دادن نیست.» خواهر بزرگ‌ترشان می‌گوید: «لاله‌زار تهران هم بردیمشون، اونجا که اصلا هیچی از لاله‌زار نداشت، اینجا باز حداقل یه مقداری شبیه لاله‌زار تهران قدیم بود.» پایتخت ۲۰۰ ساله ایران، این روزها شهری شده که پیدا کردن نمادهای هویتی و تاریخی در آن به سختی پیدا کردن سوزن در انبار کاه شده، بچه‌هایی که در این شهر قد می‌کشند، آنچه از تهران دیده‌اند، جرثقیل‌های زردی است که در آسمان این شهر می‌چرخند و نماهای شیشه‌ای که چشم‌انداز شهر را پر کرده‌اند. همین است که بچه‌ها وقتی سایه‌بان کوچک و رنگی کافه نادری را می‌بینند ذوق می‌کنند و پلان‌ها و نماهای سریال محبوب‌شان برای‌شان تداعی می‌شود.

لاله‌زار تهران با اینجا خیلی فرق داره

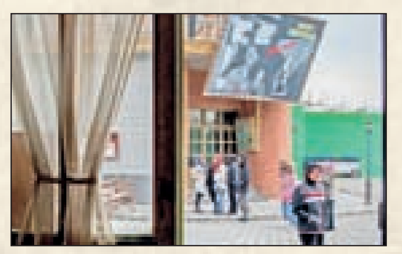

در سوی دیگر شهرک خانواده‌ای با سر و صدای زیاد در حال گرفتن عکس یادگاری در کنار دیوار عظیم قلعه میرقباد هستند، نخستین‌بار است که به شهرک سینمایی آمده‌اند، در اینستاگرام عکس دوستان‌شان را در لاله‌زار شهرک دیده‌اند و آمده‌اند ببینند «سریال شهرزاد رو کجا بازی کرده‌اند» اما مسوولان پروژه فیلمبرداری اجازه ورود به لاله‌زار را به آنها نداده‌اند. آنها هم راهی لوکیشن «شهر سامان» در سریال کلاه پهلوی شده‌اند. فرهاد یکی از اعضای خانواده است که وقتی سوال‌مان را مطرح می‌کنیم از تهرانی می‌گوید که نشانه‌های تاریخش یکی یکی تخریب می‌شوند: «منزل ما تو میدون فردوسیه، سالی چند بار می‌بینیم یک خونه رو دارن تخریب می‌کنند، هر بار صدای لودر می‌شنویم می‌ریم سر می‌زنیم می‌بینیم یک خونه تخریب شده. پاساژ و برج می‌سازن به جاشون. اگر بناها رو حفظ کنند که عالیه، اما این کار رو که نمی‌کنن، اینجا یک چیزی شبیه خونه‌هایی که تخریب شده هم بسازن خوبه.» همسر فرهاد که در حال گرفتن عکس از پسرشان در کنار یکی از جداره‌های شهر سامان است، می‌گوید: «لاله‌زار رو تا یه بخش‌هایی که می‌شد ببینیم دیدیم، فکر نمی‌کردم داخل این مغازه‌ها خالی باشه، تو فیلم‌ها خیلی قشنگ‌تره. با اینکه اینجا فقط یه ماکت از لاله‌زاره اما لاله‌زار تهران با اینجا خیلی فرق داره، اونجا همین دیوارها و ساختمون‌ها هم نیست، همه مغازه شده.»

فیلمبرداری در لاله‌زار با نزدیک شدن غروب تمام می‌شود و همه بازدیدکنندگانی که در ساعات گذشته نتوانسته‌اند لاله‌زار را ببینند بعد از بازدید از بخش‌های دیگر شهرک آمده‌اند تا به ویترین‌های قدیمی آن سر بزنند و در این میان عکس یادگاری هم با بازیگران مجموعه، لطف تماشای پشت صحنه فیلمبرداری را دوچندان می‌کند. مهشاد پشت نوار زرد رنگی که محدوده فیلمبرداری را مشخص می‌کند ایستاده، می‌گوید: «دومین باره که میام اینجا، دفعه پیش که اومدم اینجا دیوانه آقای حاتمی و کاری که کردن شدم، روحشون شاد. اما بعد از بازدید گله‌ای هم دارم، اینجا خیلی داره تخریب میشه، حیفه واقعا، برای یک پروژه‌ای اومدن یک قسمت پشت تهران قدیم حلبی‌آباد ساختن و بعد از تموم شدن پروژه تخریبش نکردن، پر از مصالح ساختمونیه و جلوه اینجا رو زشت کرده. به نظر من قشنگ‌ترین قسمت‌های شهرک همین لاله‌زار و تهران قدیمه.» مهشاد توضیح می‌دهد که تجربه همکاری با چند پروژه تصویربرداری را بیرون از اینجا داشته و از همکارانش هم انتقاد دارد و می‌گوید: «کسانی که اینجا پروژه دارن، وقتی کارشون تموم میشه، لوکیشن رو تمیز نمی‌کنن و این برای یک گروه هنری قشنگ نیست. اینجا برای همه ماست و همه باید حفظش کنیم. یک جور میراثه دیگه.» مهشاد در مورد وضعیت بناها و خیابان‌های تاریخی تهران هم می‌گوید: «اینکه اومدن بعضی خیابون‌ها رو سنگفرش کردن کار خوبی بود، الان اینجا می‌بینم که لاله‌زار هم سنگفرش بوده، کاش لاله‌زار تهران رو هم سنگفرش کنن و باز بشه پاتوق سینمایی‌ها و تئاتری‌ها، از طرفی این خیلی خوبه که بعضی بناها که تخریب می‌شن رو یک جایی شبیه شهرک سینمایی بازسازی کنن.»

شهرک سینمایی تصویری از تهران در دهه ۳۰ و ۴۰ به بازدیدکنندگان می‌دهد، هر چند به گفته کارشناسان معماری این شهرک شباهتی به تهران آن روزها ندارد و نمی‌توان گفت که تهران دهه ۳۰ و ۴۰ همین تهرانی است که امروز در فیلم‌ها و سریال‌ها می‌بینیم یا در شهرک سینمایی بخش‌هایی از آن وجود دارد. اما در لوکیشن‌های این شهرک المان‌هایی وجود دارد که توانسته پاسخ کنجکاوی بازدیدکنندگان را در مورد این مقطع از تاریخ پایتخت بدهد. علاوه بر این به گفته کمال فیض‌آبادی، مدیر شهرک سینمایی ایران (غزالی) قرار است در آینده و در صورت فراهم شدن شرایط لازم، علاوه بر المان‌های معماری، این امکان فراهم شود که مردم بتوانند با هنرهای سنتی و آیین‌های مردم تهران در این شهرک آشنا شوند: «قصد داریم هنرهای سنتی مثل خیمه شب بازی و سیاه بازی و تخته رو حوضی را با ظرفیت‌هایی که در شهرک وجود دارد زنده کنیم. اگر سازمان‌های دیگر همکاری لازم را داشته باشند می‌توانیم آیین‌هایی مثل شب یلدا را در لوکیشن‌های شهرک برگزار کنیم. از ظرفیتی که در این شهرک وجود دارد استفاده‌های زیادی می‌شود کرد.» علاوه بر مقوله میراث فرهنگی نقشی که این فضاها می‌تواند در معرفی فرهنگ و سنت داشته باشند، فیلمبرداری فیلم‌های به یادماندنی و پر مخاطب در این مجموعه هم می‌تواند به نوعی جاذبه گردشگری تبدیل شود و گردشگران بسیاری را راهی این شهرک سینمایی-تلویزیونی کند.

گردشگری فیلم، فرصتی که از آن غافلیم

کمال فیض آبادی

رونق گردشگری در دنیا و تبدیل شدن آن به یک صنعت سودآور باعث شده تا فعالان این صنعت برای ایجاد جاذبه‌های جدید دست به خلاقیت بزنند. این روزها صنعت گردشگری در دنیا صاحب شاخه‌ای شده به نام «گردشگری فیلم» که یکی از پرمخاطب‌ترین شاخه‌های گردشگری است. فعالان گردشگری دنیا پیوندی میان جاذبه بازدید از لوکیشن فیلم‌ها و سریال‌ها و انیمیشن‌های مطرح و موفق دنیا و گردشگری ایجاد کرده‌اند و گونه‌ای نو از گردشگری را تعریف کرده‌اند. در این تعریف «گردشگری فیلم» یک نمونه خاص از گردشگری رسانه محور معرفی شده که بینندگان را ترغیب می‌کند تا حین یا بعد از تولید، از فضاهای نمایش داده شده در یک فیلم سینمایی یا سریال بازدید کنند. والت دیسنی، لوکیشن مجموعه ارباب حلقه‌ها و هری پاتر یا سریال گیم آف ترونز و بسیاری اماکن دیگر از جمله مواردی است که می‌توان به عنوان مصداق گردشگری فیلم در دنیا نام برد. طبق نتایج پژوهشی که در انگلستان انجام شده است، از هر ۱۰ انگلیسی، ۸ نفر ایده سفر تعطیلات خود را از فیلم‌ها می‌گیرند و از هر ۵ نفر یک نفر به لوکیشن نشان داده شده در فیلم مورد علاقه‌اش، سفر می‌کند. در سال ۱۹۹۳ از هر ۶ بازدیدکننده ایرلند بیش از یک نفر اعلام کرده‌اند تماشای یک فیلم باعث شده تا به این کشور سفر کنند. از هر ۷ گردشگر ورودی در کره جنوبی یک نفر با تماشای درام‌های تلویزیونی این کشور سفر خود را شروع کرده است. سریال پر مخاطب «بازی تاج و تخت» (Game Of Thrones) در کشورهای کرواسی، مراکش، اسپانیا، ایرلند شمالی، ایسلند و... فیلمبرداری شده است. با توجه به محبوبیت این سریال در سراسر جهان، مکان‌هایی که این سریال در آنها فیلمبرداری شده است به مراکز توریستی محبوبی تبدیل شده‌اند و بررسی‌ها نشان می‌دهد گردشگری فیلم تحت تاثیر این سریال حداقل ۱۰۰ میلیون دلار به اقتصاد ایرلند شمالی کمک کرده است. در مجموع انگلستان، استرالیا، نیوزیلند، ایرلند و کره کشورهایی هستند که فیلم تاثیر قابل توجهی در توسعه گردشگری آنها داشته‌است.

در ایران هم یکی از ظرفیت‌هایی که شهرک‌های سینمایی دارند، گردشگری فیلم است؛ شاخه‌ای از گردشگری که با وجود توجهی که در دنیا به آن می‌شود، در ایران با وجود ظرفیت‌های بسیار، چندان مورد اقبال فعالان این حوزه قرار نگرفته است. شهرک سینمایی ایران دیگر محدود به لاله‌زار و میدان توپخانه و محله خانی‌آباد نیست، وسعت آن هم دیگر ۷ هزار متری که علی حاتمی برای هزاردستان و بعد هم فیلم نافرجام تختی در نظر گرفت، نیست. به گفته مدیر شهرک قرار است وسعت آن در آینده نزدیک، به حدود ۵۳ هکتار برسد و لوکیشن‌های جدیدی هم به آن اضافه شود. چنین فضایی در فاصله‌ای نسبتا نزدیک به پایتخت می‌تواند یک ظرفیت قابل توجه برای رونق گردشگری فیلم باشد. ظرفیتی که با توجه فعالان گردشگری می‌تواند تبدیل به یک فرصت نو در این حوزه شود. هر چند حضور همزمان بازدیدکنندگان و گروه‌های تصویربرداری خالی از مشکل و چالش نیست، اما با مدیریت درست و برنامه‌ریزی و البته فرهنگ‌سازی بین کسانی که برای بازدید مراجعه می‌کنند، می‌توان این مشکلات را هم مدیریت کرد.

حضور همزمان بازدیدکنندگان و گروه‌های فیلمبرداری

یکی از مشکلاتی که در حال حاضر مدیر شهرک سینمایی به آن اشاره می‌کند، این است که در غالب مواقع در لوکیشن‌ها از جمله لاله‌زار پروژه فیلمبرداری در حال اجراست و بازدیدکنندگان گله‌مندند که چرا اجازه بازدید از تمام بخش‌های شهرک را ندارند. از طرفی هیچ فضایی (سایت یا کانال تلگرامی) برای بازدیدکنندگان وجود ندارد تا از پروژه‌های فیلمبرداری در این بخش از شهرک باخبر شوند و زمان دیگری را برای بازدیدشان در نظر بگیرند. چالش دیگر هم نبود تابلوهای راهنما در محوطه شهرک است که باعث می‌شود اطلاعات کافی نصیب بازدیدکنندگان نشود. البته یک راهنما بازدیدکنندگانی را که در قالب گروه‌های مدارس یا شرکت‌های مختلف برای بازدید به شهرک می‌آیند، همراهی می‌کند. اما بازدیدکنندگان انفرادی تمام اطلاعات لازم را تنها از بروشور مجموعه کسب می‌کنند. فیض‌آبادی در مورد در نظر نگرفتن مسیر مشخص برای بازدید می‌گوید: «ما مشکل نیروی انسانی داریم، این امکان را نداریم که برای تمام بازدیدکنندگان راهنما در نظر بگیریم. در مورد مسیر بازدید هم یک راه اصلی مشخص است، اما برای هر کسی یک بخش از شهرک جذابیت دارد. بعضی اورشلیم را می‌پسندند و بعضی لاله‌زار را. و ممکن است اولویت‌هایی که برای بازدید در نظر می‌گیرند متفاوت باشد. نمی‌توانیم کسی را به اجبار به بازدید یک بخش بفرستیم.»

تعامل سازمان‌های متولی برای رونق گردشگری فیلم

اگر سازمان میراث فرهنگی به عنوان متولی اصلی امر گردشگری در کشور و فعالان بخش خصوصی این حوزه و معاونت سیما (متولی مدیریت شهرک‌های سینمایی) تعاملی سازنده با یکدیگر داشته باشد، و این تعامل زمینه را برای حفاظت و معرفی بیشتر از این میراث ارزشمند فراهم کند، شاید بتوان امیدوار بود که روزی در ایران هم گردشگری فیلم مخاطبان خاص خود را پیدا کند و توسعه این نوع از گردشگری موجب ایجاد تنوع در گردشگرانی شود که به ایران مراجعه می‌کنند. البته علاوه بر سازمان‌هایی نظیر میراث فرهنگی، سازمان‌هایی مثل شهرداری هم می‌توانند در تعاملی سازنده، فضایی مناسب در این شهرک ایجاد کنند تا این ظرفیت عظیم تنها محل بهره‌برداری گروه‌های فیلمسازی نباشد و جایی باشد که در کنار مرور هویت شهری تهران، بشود شیوه‌ای جدید از گردشگری را تجربه کرد. ضمن اینکه علاوه بر شهرک سینمایی ایران (غزالی) لوکیشن پروژه‌های عظیم سینمایی و تلویزیونی بسیاری از جمله سریال یوسف پیامبر، فیلم سینمایی محمد (ص) و... به صورت پراکنده و با سرمایه‌های هنگفت در نقاط مختلف ساخته شده و بعد به حال خود رها شده‌اند، در حالی که هر کدام می‌توانند به عنوان یک جاذبه برای گردشگری فیلم معرفی شوند.

در گفت‌وگو با جمشید مشایخی، محمد علی کشاورز، احمد بخشی

شهرکی که به نام سازنده‌اش نیست

تینا جلالی

به همان اندازه که به راحتی نمی‌توان از کنار سینمای علی حاتمی و فیلم‌هایی که او برای این مرز و بوم به یادگار گذاشته عبور کرد؛ به همان اندازه سخن گفتن هم از ابعاد شخصیتی و ویژگی‌های سینمای او کار سهل و آسانی نیست. حاتمی ضمن برخورداری از تفکر شرقی و نوعی نبوغ ذاتی؛ دانش خود را از زندگی واقعی دریافت کرده بود. اغلب کاراکترهای فیلم‌های او به باورهای قومیت‌های ایرانی شبیه هستند؛ فیلم‌های او نمونه کامل از یک فیلم ایرانی است. به غیر از تاثیرات مطلوبی که نگرش، تفکر و ساخته‌های علی حاتمی بر سینمای ایران داشت، مهم‌ترین یادگاری که این فیلمساز فقید برای تاریخ ایران گذاشت شهرک سینمایی غزالی است؛ شهرکی که اخیرا به شهرک تلویزیونی سینمایی ایران تغییر نام داده‌است.

برداشت یک؛ ساخت شهرک آغاز می‌شود

طرح این شهرک ابتدا توسط علی حاتمی و مرحوم ولی‌الله خاکدان به واسطه سریالی که بر بستر وقایع سیاسی و اجتماعی معاصر ایران بود، شکل گرفت. زمانی که این طرح به تلویزیون داده شد و همزمان با آغاز تولید این مجموعه از آنجا که سریال شرایط جغرافیایی و شهری مناسب با همان دوره اوایل قرن چهاردهم هجری شمسی را می‌طلبید، احداث این شهرک نیز با طراحی خاص آغاز شد. ۱۰ هکتار زمین برای ساخت و بازسازی تهران قدیم در نظر گرفته شد و علی حاتمی عکس‌ها و اسناد گردآوری شده را به شهرک سینمایی «چینه چیتا» ایتالیا برد و با کمک نقاش ایتالیایی اتودی بر طرح خود زد و سپس با کمک یکی از بهترین دکوراتورهای ایتالیایی به نام «جانبی کورتینا» و گروه بزرگ او نقشه شهرک در مقیاس ۱۰۰۰/۱ ترسیم و رسما از اسفند سال ۱۳۵۸ احداث شهرک آغاز شد. در آن سال علی حاتمی دکورهای مربوط به خیابان لاله‌زار و توپخانه و کوچه پس کوچه‌ها و بازارچه تهران قدیم را می‌سازد. باید گفت که تقریبا تمام دکورهای شهرک تلویزیونی سینمایی ایران مربوط به تهران قدیم و مربوط به دوره محمدرضا و رضا پهلوی است. اما سال‌ها بعد زمانی که سازنده این شهرک در قید حیات نبود در این شهرک دکور شهر کوفه و مدینه که مربوط به تاریخ صدر اسلام هم می‌شود ساخته شده است و گویا این ساخت و سازها ادامه دارد.

از زمان احداث این شهرک تا به امروز فیلم‌ها و سریال‌های بی‌شماری در آن ساخته شده که از مهم‌ترین آنها می‌توان به «هزاردستان»، «رعنا»، «کیف انگلیسی»، «امام علی»، «کفش‌های میرزا نوروز»، «روزگار غریب»، «کارآگاه علوی»، «دزدان مادربزرگ»، «مدار صفر درجه»، «شهریار»، «کلاه پهلوی» و... اشاره کرد. علی حاتمی و احمد بخشی از دوران دانشجویی با هم رفاقت داشتند و بخشی از سال ۱۳۵۴ به بعد در مقام دستیار کارگردانی با این کارگردان همکاری داشته است. بخشی معتقد است که بیشتر از همکاری نزدیک ۳۰ سال با علی حاتمی زندگی کرده و این همکاری برایش همچون دانشگاه به حساب می‌آمد. بخشی در مورد چگونگی شکل‌گیری و ساخت شهرک سینمایی غزالی گفت: «مرحوم علی حاتمی قبل از انقلاب تصمیم داشت سریالی با نام «جاده ابریشم» بسازد و مقدمات ساخت کار هم فراهم شد، حاتمی برای تهیه آکساسوار سریال به ایتالیا رفت، زمانی که برگشت انقلاب شده بود. او مدتی را صبر کرد تا تلویزیون سر و سامان بگیرد. پس از مدت‌ها دوباره ساخت سریال در جریان تولید قرار گرفت؛ حاتمی به تلویزیون گفت که برای ساخت سریال نیاز به دکورهای تهران قدیم دارد و باید شهری بر این مبنا ساخته شود و تلویزیون هم موافقت کرد. ساخت این شهرک با همراهی ایتالیایی‌ها آغاز شد و آنها به ایران آمدند تا ساخت و ساز دکور را آغاز کنند. زمانی که عراق به ایران حمله کرد و چند فرودگاه را مورد حمله قرار داد، ایتالیایی‌ها هم به کشورشان می‌روند و بعد از آن مرحوم ولی‌الله خاکدان و علی حاتمی مشغول ساخت شهرک و بخش‌های لاله‌زار و توپخانه می‌شوند و مرحوم اسماعیل ارحام‌صدر هم مسوولیت ساخت دکورهای بازارچه و کوچه پس کوچه‌های قدیم تهران را بر عهده می‌گیرند.» بخشی روزهای آماده‌سازی دکور را به یاد دارد: «وقتی دکورها آماده شد از آنجایی که نو بود باید کاری می‌کردیم که شبیه تهران قدیم و به تعبیری کهنه نشان داده شود. به در و دیوار بناهای ساخته شده گازوییل ریختیم. بادی هم که می‌وزید گرد و خاک را روی آنها نشاند تا اینکه دکورها و ساختمان‌ها و به طور کل شهرک شکل تهران قدیم پیدا کرد. دکورهای گراند هتل، داروخانه، آرایشگاه و جواهرفروشی قازاریان و... ساختمان‌هایی بود که ساختیم. در فاصله آماده‌سازی دکور علی حاتمی بخشی از فیلمبرداری حاجی واشنگتن را در شهرک انجام داد و بعد از آن علی حاتمی شروع به ساخت سریال گرفت. اسم سریال ابتدا «تهران روزگار نو» بود که بعد به هزاردستان تغییر پیدا کرد.»

برداشت دو؛ کارگردانی متفاوت

احمد بخشی در اغلب کارهای حاتمی دستیارش بوده است هنوز فیلمنامه‌های این کارگردان را به یادگار دارد: «علی حاتمی وقتی تصمیم به ساخت فیلم یا سریالی می‌گرفت، ابتدا چند صفحه از قصه فیلم یا سریال کد بر می‌داشت و بعد با بازیگران مدنظرش ساعت‌ها گفت‌وگو می‌کرد. باید بگوییم که حاتمی بازیگران فیلمش را قبل از نگارش انتخاب می‌کرد و بعد از انتخاب بازیگران فیلمنامه را می‌نوشت.»

برداشت سه؛ نگارش فیلمنامه

به گفته بخشی، علی حاتمی نگارش فیلمنامه را بعد از انتخاب بازیگران انجام می‌داد اما دیالوگ‌های بازیگران را وقتی می‌نوشت که حضور بازیگران در پروژه قطعی شده بود و اگر حضور بازیگری در پروژه به هر دلیلی تغییر می‌کرد حاتمی دیالوگ‌های بازیگران دیگر را هم تغییر می‌داد و دوباره از نو دیالوگ‌های شخصیت‌ها را می‌نوشت. او کارگردان بسیار صبور و آرامی بود و اطرافیان هم همواره تلاش می‌کردند جو کار را برای او آرام بکنند.

برداشت چهار؛ بازیگران و رفاقت

حاتمی با جمشید مشایخی رفاقت دیرینه داشت و همیشه در همه کارهایش با او مشورت می‌کرد؛ احمد بخشی هم‌چنین شباهتی که بین جمشید مشایخی با پدر علی حاتمی وجود داشت را دلیل مهم دیگر در تحکیم این رفاقت می‌داند. از نظر جمشید مشایخی، علی حاتمی یک نابغه و بی‌نظیر است. او در این باره گفت: «وقتی علی زنده بود و فیلم‌هایش را می‌ساخت من او را سعدی سینمای ایران نامیدم؛ خیلی‌ها از این صفت خوش‌شان نیامد اما بعد از اینکه علی فوت کرد به او لقب سعدی سینمای ایران دادند. در واقع بعد از مرگ علی حاتمی به حرف من رسیدند.» علی حاتمی با جمشید مشایخی در کارهایش مشورت می‌کرد و نظرات مشایخی برایش اهمیت زیادی داشت. به عنوان نمونه برای ساخت فیلم «جهان پهلوان تختی» مشایخی مشاوره‌های زیادی به حاتمی داد و او هم در نهایت از همفکری مشایخی استفاده کرد.

اما یکی دیگر از رفقای قدیمی علی حاتمی، محمد علی کشاورز بود؛ او همچنین در فیلم‌های مادر و کمال‌الملک، دلشدگان و سریال هزاردستان با این کارگردان همکاری داشت. کشاورز در مورد ویژگی‌های کاری علی حاتمی گفت: «علی حاتمی به درستی سعدی سینمای ایران لقب گرفت و به معنای واقعی انسان شریف، نجیب و والا بود. علی با ادبیات غنی این سرزمین آشنا بود و سبک نگارشش هم نسبت به دیگر فیلمسازان فرق می‌کرد.» بازیگر فیلم «مادر» از نزدیک در جریان چگونگی ساخته شدن شهرک سینمایی غزالی قرار داشت. او ادامه داد: «شاهد بودم که علی حاتمی چگونه خشت خشت آنجا را دقیق ساخت و به جای آنکه دستمزدی که می‌گرفت را خرج خودش کند برای ساخت شهرک استفاده می‌کرد. به نظر من این شهرک اساسا باید به اسم علی حاتمی نام‌گذاری می‌شد؛ امیدوارم این روز فرا برسد و نام علی حاتمی روی این شهرک قرار بگیرد.» کشاورز از اینکه رفیق سالیان دور خود را زود از دست داده ابراز تاسف می‌کند و به جوانان توصیه می‌کند که راجع به این فیلمساز فقید بیشتر مطالعه کنند و او را بیشتر بشناسند.

برداشت پنج؛ آکسسوارها خریداری می‌شود

قصه «هزاردستان» شاهکار علی حاتمی با ساخت شهرک و انتخاب بازیگران تمام نمی‌شود. این شروع ماجرا است، آکسسوارها یا وسایل صحنه ماجرایی برای خود داشت که بخشی آن را این گونه تعریف می‌کند: «سرانجام کار ساختن دکورها و ساختمان‌های شهرک تمام می‌شود. باید داخل آنها با وسایل و آکسسوارها پر می‌شد. در ابتدا شهر همچون خانه بی‌وسایل می‌ماند تلویزیون در این زمان پولی برای ساخت وسایل مربوط به دکور نداشت. علی حاتمی هم نمی‌توانست سریال را با ساختمان‌ها و دکورهای خالی پیش ببرد. بعد از کمی فکر آغاز سریال را تغییر می‌دهد و این نکته مهمی است که دستیارش به آن اشاره دارد: «اگر خاطرتان باشد اول سریال هزاردستان رادیو اعلام می‌کند که به خاطر سرشماری شهر تعطیل است و جمشید لایق و اسماعیل محرابی به عنوان مسوولان سرشماری در شهر از مردم پرس‌وجو می‌کنند؛ ما به این بهانه توانستیم دو ماه ضبط سکانس‌های سرشماری را انجام دهیم تا ساختمان‌ها و مغازه‌ها با اجناس و آکسسوارها پر شود.»

از آنجایی که فیلم‌ها و سریال‌های علی حاتمی ویژگی ملی و ایرانی داشت بیشتر وسایل‌های صحنه و آکسسوارها هم متعلق به خودش بود و همه وسایل هم عتیقه بودند که او طی گذر زمان خریده و در انبار نگهداری می‌کرد. نکته دیگر اینکه اغلب فیلم‌ها و سریال‌های علی حاتمی جنبه تاریخی دارد و به دلیل برخورداری از دیالوگ‌های خاص دوبله بخش مهمی از کارهای او به حساب می‌آمده و در این مسیر ناصر طهماسب با او همکاری خوبی داشت.

برداشت آخر؛ کتابی به یاد علی حاتمی

با تمام این تفاسیر دستیار کارگردان علی حاتمی معتقد است با علی حاتمی ۳۰ سال زندگی کرده و همکاری با او برایش کلاس درسی بوده؛ علی حاتمی دفتری داشته که یک گروه با او همواره کار می‌کردند حاتمی هر وقت خودش بیکار بوده سعی می‌کرده برای گروهش به هر ترتیبی که بوده کار ایجاد کند. احمد بخشی، دستیار علی حاتمی مشغول نگارش کتابی با عنوان «از سوته‌دلان تا دلشدگان» است. این کتاب دربرگیرنده خاطرات و اتفاقاتی است که بخشی در طول سالیان همکاری با علی حاتمی به دست آورده است. از آنجایی که علی حاتمی قدرت نگارش فیلمنامه‌هایی چند ساعته و طولانی را داشت و به عنوان مثال از فیلمنامه چهار ساعته او تنها یک ساعت ساخته شده است. احمد بخشی در این کتاب تلاش کرده که بخش‌هایی از فیلمنامه‌های ساخته نشده او را گردآوری کرده و در قالب کتاب به مخاطب عرضه کند تا آن روزگار و آن بخش‌های ساخته‌نشده برای مخاطب زنده‌شود.

نگاه

علی حاتمی فیلمسازی بود بدون منّت

امین تارخ

«مادر» مهم‌ترین و ماندگارترین فیلم کارنامه علی حاتمی است؛ او بی‌تردید فیلمساز تاریخ‌ساز سینمای ایران است که با سبک و سیاق خود فیلم‌هایش را ساخته است. علی حاتمی با سلسله تصاویری خاص که تغزل و شعر در آن نهفته است کلام آهنگین خود را برای مخاطب به تصویر می‌کشد که این فضا برای مخاطب عام قابل فهم است و هم لذت‌بخش. فیلم‌های حاتمی در قالب قصه‌های بکر و جذاب انتخاب می‌شوند و در عینی که یک گویش شاعرانه دارند برای همه نوع مخاطب قابل درک و هضم است؛ ضمن اینکه برای تماشاگر لذت‌آفرینی می‌کنند. در واقع آنچه در کارهای علی حاتمی اهمیت ویژه دارد لذتی است که تماشاگر از تماشای فیلم‌های او می‌برد. به نظر من وظیفه هنرمند تنها رساندن پیام و آموزش به مخاطب نیست فرهنگسازی توام با لذت‌آفرینی مهم‌ترین خصیصه یک فیلم یا تئاتر است که هنرمند آن را خلق می‌کند و فیلم‌های علی حاتمی این ویژگی مثبت را داشت. علی حاتمی در کارهای خود فضایی را خلق می‌کند و در این فضا قصه‌اش را با هوشمندی برای مخاطب روایت می‌کند. حاتمی تاریخ را از دیدگاه خود به تصویر می‌کشد؛ تمام فیلم‌های او در تاریخ سینمای ایران یک هویت خاص دارند و اعتباری برای سینمای ایران هستند. فیلم‌های علی حاتمی چه بعد از انقلاب و چه قبل از انقلاب همه بر یک سبک و سیاق ساخته شده و او تنها فیلمسازی است که در گذر تاریخ سبک و سیاق فیلمسازی خود را به هم نریخته و تغییر نداده است. به همین دلیل شخصیت علی حاتمی هم همچون سبک فیلمسازی‌اش تغییرناپذیر بوده است. او در کارگردانی خودش بود؛ بدون منیت. **بازیگر مادر و دلشدگان**

نگاه

فیلم «مادر» را هر بار که می‌بینم گریه می‌کنم

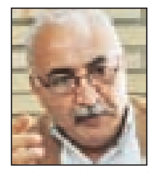

احمدطالبی‌نژاد

بی‌شک علی حاتمی یکی از استثنایی‌ترین هنرمندان مملکت‌مان، ایران است؛ او تفکر شرقی ایرانی داشت و تلاش می‌کرد در آثارش هم این تفکر مبتنی بر جست‌وجوی هویت ملی متجلی شود.

باید گفت به کار بردن این نگاه در سینما بسیار دشوار است چرا که اول باید تعریف دقیقی از واژه هویت داشته باشیم تا بعد بتوانیم این واژه را در سینما و لابه‌لای مفاهیم فیلم جاری کنیم.

در مورد اطلاعات و دانش گسترده علی حاتمی باید گفت تنها مطالعه به او کمک نمی‌کرد، این فیلمساز فقید اطلاعات و دانش خود را از زندگی اجتماعی و تاریخ این سرزمین دریافت می‌کرده. ذهن جست‌وجوگر علی حاتمی با تاریخ و فرهنگ ایران پیوند عجیبی داشت که او را تبدیل به هنرمندی ممتاز کرد به همین دلیل است که او سینماگری تکرارناشدنی است؛ هرچند برخی‌ها تلاش کردند برای علی حاتمی در سینما بدل بتراشند اما نتوانستند؛ دلیلش هم این است که علی حاتمی متعلق به دوره‌ای بود که سینماگرانی چون مسعود کیمیایی، داریوش مهرجویی، عباس کیارستمی و بهمن فرمان‌آرا در آن دوره ظهور کرده بودند. نوجوانی این نسل از فیلمسازان مصادف با کودتای ۲۸ مرداد و فضای سیاسی آن زمان بود، نشریات متعدد، جنگ احزاب و... همه آنها در این فضا رشد کردند این فیلمسازان به لحاظ کاری هیچ کدام‌شان شبیه هم نبودند و هر کدام شناسنامه منحصر به فرد خودشان را داشتند؛ لذا هر گونه تلاش برای بدل‌سازی این هنرمند بیهوده است. به یاد دارم که ابتدای سال ۷۰ کلاس فیلمنامه‌نویسی داشتم که روزی علی حاتمی میهمان من در این کلاس بود؛ یکی از شاگردانم از او پرسید که این دیالوگ‌های زیبا و مثل‌هایی که در فیلم‌های‌تان به کار می‌برید چطور به ذهن‌تان می‌رسد. او در پاسخ گفت: من مادربزرگ پیری داشتم که شب‌ها برای ما قصه تعریف می‌کرد، من وقتی قصه او را گوش می‌کردم جملاتش را یادداشت می‌کردم؛ تمام آن یادداشت‌ها امروز به گنجینه‌ای از جملات و کلمات تبدیل شده است. اما امری که باعث شد او در سینمای ایران ماندگار بماند اینکه علی حاتمی و همنسلانش سینمای ایران را از فضای فیلمفارسی و داستان‌های آبکی عبور دادند و به سینما شأن و منزلت تاریخی اجتماعی بخشیدند. با این حال خیلی‌ها علی حاتمی را متهم کردند که او تاریخ را تحریف می‌کند. علی حاتمی هم به آنها پاسخ داد که من تاریخ‌نگار نیستم و من هنرمندم. هنرمند قرار نیست تاریخ را مو به مو روایت کند بلکه باید از موضوعات تاریخی برای بیان حرف‌هایی متفاوت بهره ببرد؛ کاری که شکسپیر کرد.

روز افتتاحیه شهرک سینمایی غزالی من هم حضور داشتم آن روز جمعیت زیادی برای این مراسم آمده بودند، به یاد دارم که فیلم مستندی از چگونگی مراحل ساخت این شهرک نمایش داده شد. باید بگویم که اعتماد به نفس بالای علی حاتمی باعث شد این شهرک و سریال هزار دستان ساخته شود؛ تکیه بر چنین اراده‌ای باعث شد او در زمان جنگ به رییس تلویزیون آن زمان برای ساخت یک سریال با مضمون تاریخی پیشنهاد ساخت یک شهر را بدهد و علی حاتمی بتواند فیلم‌های ماندگار بسازد. علی حاتمی رفت، هیچ‌وقت هم بر نمی‌گردد؛ مهم این است که سینما به سمت ساخت فیلم‌هایی برود که اسمش را ملی بگذاریم، کاری که علی حاتمی برای سینمای ایران کرد ولی متاسفانه الان وضعیت سینما برعکس شده فیلمسازان جوان بیشتر فیلم‌های یک‌بار مصرف می‌سازند در حالی که سالی یک‌بار «سوته‌دلان» را می‌بینم، فیلم «مادر» را هر بار که می‌بینم گریه می‌کنم، ببینید این تاثیر چگونه است که فیلم بعد از مرگ سازنده‌اش هم به حیات خودش ادامه می‌دهد. این همان درس بزرگی است که علی حاتمی به همه ما داد. **منتقد**